

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

سایت گزارشگران  
۲۷ اکتوبر ۲۰۱۷

## مصاحبه های گزارشگران در باره تحولات سیاسی در کشور عراق و اقلیم کردستان مصاحبه با ثریا شهابی



عراقی که در آن، کردستان از طریق احزاب ناسیونالیست حاکم بر اقلیم آن، حیاط خلوط ایران و ترکیه و امریکا و عربستان و... است. جغرافیائی که در آن هر مرجع مذهبی تا مغز استخوان مرتجعی، چون سیستانی ها و مقتدا صدر ها، بغدادی ها و ... دستجات شبه نظامی مسلح طرفدار شان گرز چرخانی می کنند. آدم می کشند، پول و اسلحه از سراسر جهان به آنجا صادر می شود، و اعمال قدرت می کنند! جغرافیائی است که مردمش هر روز جلو دوربین ها قربانی عملیات انتحاری هستند! مامن و مسکن انواع داعش و محل رقابت انواع القاعده ها و جبهه النصر و مقتدا صدر و سیستانی و سایر دستجات و گانگسترهای مذهبی و قومی اند

\*\*\*\*\*

**گزارشگران:** یک ماه پس از برگزاری رفراندوم استقلال در اقلیم کردستان عراق، کرکوک طبق یک عملیات کوتاه و بدون مقاومت در اختیار نیروهای ارتش عراق و شبه نظامیان حشدالشعبی قرار گرفت. پرچم کردستان را که پیشمرگه های کرد در این شهر به اهتزاز درآورده بودند پائین کشیدند و پرچم عراق را بالا بردند. انتظار می رفت که پیشمرگه های کرد در برابر این نیروها مقاومت به خرج دهند و اینطور نشد. بسیاری معتقدند که خیانت شده است و رهبران کرد را مقصر می دانند. آیا این واقعه می تواند سرآغاز جنگی دیگر و جابه جایی بحران در کشور عراق شود؟ آیا دست هائی در کار است تا عراق را نیز سوریه ئی کند؟ با فعالان و صاحب نظران سیاسی به مصاحبه نشستیم.

با ثریا شهابی فعال سیاسی چپ و جنبش زنان در تبعید که سوابقی طولانی در امر مبارزه مخفی در سالهای سرکوب دارد، مصاحبه می کنیم. او از جمله مؤسسان سازمان رهائی زن است.

با درود به شما و سپاس از این که درخواست گزارشگران را پذیرفتید.

\*\*\*\*\*

**گزارشگران:** اقلیم کردستان چندی پیش در یک همه پرسی با اکثریت قاطع به استقلال آن رأی داد. برخی اصولاً برگزاری آن و احیاناً دستیابی کردهای عراق به استقلال را حق مسلم آنان و مطابق با اصل حق تعیین سرنوشت برای خلقها دانستند و برخی نیز ضمن تأیید این حق به طور کلی اما برگزاری این رفتارندوم را در شرایط بحرانی کنونی به لحاظ زمانی و مکانی در این منطقه مضر دانستند. شما آن را چگونه ارزیابی کردید؟

**ثریا شهابی:** به نظر من برگزاری یک رفتارندم در کردستان عراق، بر سر ماندن کردستان عراق با عراق فدرال قومی – مذهبی و یا جدائی و تشکیل دولت مستقل، نه یک رویداد زود رس که بیش از دو دهه و از مقطع جنگ خلیج، دیر شده بود و دیر شده است.

در مورد کسانی که به قول شما این حق را در حرف به رسمیت می شناسند اما در عمل "برگزاری این رفتارندم را در شرایط بحرانی کنونی به لحاظ زمانی و مکانی در این منطقه مضر می دانند"، من در ادامه اظهار نظر کنم. ابتداء در مورد این که چرا کردستان عراق به جدائی از عراق نیاز دارد و چرا این یک ضرورت و نیاز روز است و نه صرفاً "حق" و امتیاز "علی العموم و ناشی از این یا آن بند" مصوبات بین المللی و قوانین "کشور. برای جنبش های واقعی، پای قوانین و مصوبات معمولاً یا برای جلب "حمایت" از یک رویداد و یا برای "مقابله" با آن رویداد باز می شود. طرفداران یک رویداد و یک ضرورت و نیاز مادی، مثبت یا منفی، معمولاً برای به کرسی نشاندن و تقویت خواست شان، به قوانین و مصوبات و .. رجوع می کنند. پروسه به عکس نیست که اول نگاه کنند ببینند قانون چه گفته، بعداً بروند و حرکت و جنبشی را دامن بزنند. قوانین اول و آخر مسیر پیشروی و عقبگرد جنبش های اجتماعی و سیاسی، و اول و آخر حق آدمیزاد را معلوم نمی کند. هر جنبشی از این قوانین استفاده خود را می کند. به مسأله حق تشکیل کشور کردستان عراق بازگردیم و این که کسب آن امروز نه تنها زود نیست که بسیار هم دیر شده است.

از نظر من این نه یک ضرورت علی العموم و به خاطر \* "مطابقت آن با اصل حق تعیین سرنوشت برای خلقها"، عنوانی که به اعتقاد من امروز همچون عنوان "حقوق بشر" بسیار قابل تفسیر و غالباً ابزار اقدام علیه مردم و به خصوص مردم تحت ستم، که ناشی یک ضرورت تاریخی- سیاسی و یک نیاز اجتماعی مشخص است. من به آن "حق تعیین سرنوشت خلق ها" اطلاق نمی کنم. صحبت به طور مشخص در مورد کردستان عراق است و حق مردم آن برای تشکیل یک کشور مستقل. صحبت از جغرافیا و مردمی بلاتکلیف، در دل عراق فدارتیو قومی امروز، است.

صحبت در مورد عراقی است که بیش از دو دهه است که یک کشور یک پارچه با یک حکومت مرکزی نیست. کردستان در عراق در دوره صدام با سرکوب در چارچوب عراق نگاه داشته شد. عراق کشوری نیست که در آن جنبشهای اجتماعی و طبقاتی تحرک، تحول و تقابل آنها با هم سیر طبیعی خود را طی کرده باشد. مسأله و معضلات کردستان عراق امروز با دهه ۸۰ یا ۹۰، دوره وجود یک حکومت یک پارچه، هر چند دیکتاتوری، متفاوت است.

امروز صحبت از عراقی است که دو دهه است به عنوان یک کشور، متلاشی شده است. از عراق باتلاقی قومی و مذهبی برجای مانده است. دولت "مرکزی" اش، موزائیکی از انواع دستجات قومی و مذهبی است با حاشیه وسیعی از گانگسترهای قومی و مذهبی، امروز تحت کنترل ایران است! فردا معلوم نیست در رقابت های منطقه تحت کنترل حاکمیت کدام گانگستر قومی و مذهبی یا کشور منطقه ئی یا غیرمنطقه ئی باشد!

عراقی که در آن، کردستان از طریق احزاب ناسیونالیست حاکم بر اقلیم آن، حیاط خلوط ایران و ترکیه و امریکا و عربستان و ... است. جغرافیائی که در آن هر مرجع مذهبی تا مغز استخوان مرتجعی، چون سیستانی ها و مقتدا صدر ها، بغدادی ها و ... دستجات شبه نظامی مسلح طرفدار شان گرز چرخانی می کند. آدم می کشند، پول و اسلحه از سراسر جهان به آنجا صادر می شود، و اعمال قدرت می کنند! جغرافیائی است که مردمش هرروز جلو دوربین ها قربانی عملیات انتحاری هستند! مأمّن و مسکن انواع داعش و محل رقابت انواع القاعده ها و جبهه النصر و مقتدا صدر و سیستانی و سایر دستجات و گانگسترهای مذهبی و قومی اند. جغرافیائی که مردم آن با مهر کرد و ترکمن و عرب یا سنی و شیعه و مسیحی و یزیدی و .... بر پیشانی، هزار تکه شده و در مقابل هم قرار داده شده اند. در این تصویر و در

چنین "مملکتی"، و با وجود فدرالیسم قومی و حکومتی موزائیکی، به عنوان ائتلافی از "نمایندگان اقوام و مذاهب" مختلف، شانس و امکان زندگی مسالمت آمیز در کنار هم پوچ است.

کسانی که جدائی کردستان عراق را، جایی که شانس و امکان جدائی و تشکیل دولت مستقل را بیش از دو دهه است، نه به خاطر اصول و قوانین علی العموم "حق خلق ها"، که به حکم شرایط مادی و دوفاکتور آن، زود می دانند، به اعتقاد من طرفدار بلاتکلیف گذاشتن بیشتر مردم در کردستان عراق هستند. اینها عملاً خواهان ادامه وضع موجود و بازگذاشتن سر یک زخم قدیمی، به بهانه شرایطی که بعد از فراندم پیش آمده، هستند.

بخشی از صاحبان این نگرش، همچون رویکرد سنتی احزاب ناسیونالیست کرد، تکیه اش بر گرفتن امتیاز از بالا است، که خوب طبعاً باید منتظر تغییر توازن قواء و "مهیا شدن شرایط" از جنس حمله آمریکا به عراق یا جنگ منطقه ای و شکاف جدیدی باشد که بلکه امتیازی کسب شود. این نسخه ای است که مردم کردستان در تاریخ مزه اش را توسط حاکمیت احزاب ناسیونالیست کرد بر سرنوشت شان، چشیده اند و تجربه کرده اند. قربانی و آوارگی و زندگی در کمپ ها و اقلیم ها و فرار به کوه ها و پناهنده شدن به کشورهای همسایه، کشورهایی که خود پرونده خونینی از سرکوب کرد زبان ها در کشور خود دارند، نتیجه در انتظار تغییر توازن قواء ماندن است. در واقع می خواهد این سرمایه، یعنی زندگی و امنیت و کار و مسکن و شهرهای کردستان همچنان در دست قدرت های حاکم در عراق، از عبادی تا سلفی گری و شیعه گری و تا دولت های ایران و ترکیه و عربستان و اسرائیل و آمریکا و ... باقی بماند. خواست اتحادیه میهنی است که کردستان با عراق متلاشی شده باقی بماند، تا باز از مصائب مردم کردستان عراق و با ریختن اشک تمساح به حال آن، توازن قدرت بین احزاب کردی به نفع این یا آن، را تغییر دهند. بخش دیگری جریانات یا نیروهایی هستند که در حرف مدعی دفاع از حق جدائی اند، اما از نظر آنها هیچ وقت زمان برای متحقق کردن آن، حتی در جهنم تکه تکه شده ای به نام عراق، را مناسب نمیدانند. این نیروها اساساً از موضع شویستی ملت بالا دست، از موضع دفاع از "تمامیت ارضی عراق"، از موضع ناسیونالیسم عرب، مخالف فراندم و استقلال کردستان اند و آن را زودرس ارزیابی می کنند.

استقلال کردستان عراق، می توانست نقطه پایانی باشد بر شکاف قومی- مذهبی که میان مردم "کرد" و غیر "کرد" دامن زده شده، می توانست نقطه آغازی باشد بر پایان دادن به سوء استفاده احزاب ناسیونالیست کرد از این تفرقه و مصائبی که مردم در کردستان می کشند. تا امروز خیلی هم دیر شده است.

ضرورت تشکیل دولت مستقل در کردستان عراق، به اعتقاد من، خلاف روایت ناسیونالیستها، نه از تاریخ تشکیل کشور عراق و تاریخ "بی کشوری" "ملت کرد" در چهار کشور ایران و عراق و ترکیه و سوریه، که هریک نیازها و مقتضیات خود را دارد، که مشخصاً از نیازهای فوری و امروز مردم در کردستان عراق ناشی می شود. ناسیونالیسم کرد تلاش می کند که این نیاز و این حقیقت را ببوشاند و آن، یعنی نیاز مردم کردستان عراق به تشکیل دولت مستقل، را دستمایه شکل دادن به تحرکی ناسیونالیستی در منطقه و در میان مردم در سه کشور دیگر ایران و ترکیه و سوریه، کند.

مردم در کردستان عراق، که تاریخ تلخ و خونباری از سرکوب توسط دولت های مرکزی در عراق را تجربه کرده اند، سرکوبی که شکاف ملی عمیقی بین مردم کرد زبان و عرب زبان ایجاد کرده است، همیشه حق داشته اند که با جدائی سیاسی و جغرافیائی و کشیدن مرزهای از نظر بین المللی به رسمیت شناخته شده، با تشکیل دولتی مستقل، و تأمین امنیت جغرافیای قانونی، این شکاف را کاهش دهند.

بعد از جنگ خلیج و در دل جنگ خلیج، دولت مستقل کردستان عراق، می توانست و باید تشکیل می شد. این پروژه از آن مقطع، توسط احزاب ناسیونالیست کرد "هایجک" شده بود. نه کردستان عراق را مستقل کرده بودند و نه در عراق حل شده بودند. تشکیل دولت اقلیم و شریک کردن احزاب ناسیونالیست کردستان عراق در قدرت به جای تشکیل دولت مستقل، از روزی که تشکیل شد، اقدامی نه برای کاهش تنش و شکاف ملی، که به عکس اقدامی در تعمیق آن بود.

جدائی و تشکیل دولت مستقل برای کردستان عراق، قدمی در پایان دادن به بلاتکلیفی این جغرافیا، پایان دادن به سوءاستفاده نیروهای ضد مردمی از مصائب مردم است. به کردستان عراق به عنوان منطقه ای بی صاحب که هر روز توسط یک باند و دسته و گروه و دولت ارتجاعی منطقه‌ئی یا بین المللی، با آن در رقابت‌ها و توازن قدرت ما بین خود به بازی گرفته شود، منطقه ای که مردم محروم آن زندگی و امنیت شان بازیچه دست هر گانگستر و حزب و دولتی شود، باید پایان داده می‌شد. بیست سال پیش باید پایان داده می‌شد. امروز هم شاهد بودیم این مردم در کردستان عراق نبودند که به استقلال رأی منفی دادند بلکه ارتجاع منطقه‌ئی، در همکاری با احزاب ناسیونالیست کرد و ارتجاع بین المللی آن را به بن بست کشاندند.

**گزارشگران:** در برابر این پروژه (همه پرسی) صفتبندی‌های سیاسی جدیدتری در منطقه شکل گرفت. مثلث عراق، جمهوری اسلامی و ترکیه اردوخوانی برای پیشگیری از تشکیل دولت مستقل کردستان صف کشیدند و تهدیدهایی از سوی آنان انجام گرفت و محدودیت‌هایی در این ارتباط برای کردها ایجاد شد. برخی می‌گویند فلسفه این همه پرسی نه دستیابی به استقلال که گرفتن امتیازات بیشتر از دولت مرکزی عراق بوده است. شما چگونه می‌بینید؟

**ثریا شهابی:** صف بندی‌هایی که شما به آن اشاره کردید، واقعی است. در برگزاری این همه پرسی، علاوه بر مثلث مورد اشاره شما، شورای امنیت ملل متحد و امریکا هم مخالف کردند. امروز هنوز دولت امریکا، متحد تاریخی احزاب ناسیونالیست کرد، مخالف آن است. احزاب ناسیونالیست کرد حاکم، مشخصاً حزب دمکرات کردستان عراق، "پارتی"، و دولت اقلیم، رفتارندم را علی‌رغم این مخالفت‌ها اعلام کرد.

بارزانی در هر مصاحبه ای هزار بار تکرار کرد که اجرای رأی و حکم مردم بر جدائی، اجراء نخواهد شد مگر همه دولت‌های منطقه، امریکا و ایران و ترکیه و دولت عراق، موافق باشند. علی‌رغم این که در تبلیغات تأکید می‌کرد که تا استقلال کردستان از پا نخواهد نشست، اما از همان روز اول معلوم بود که بارزانی قصد معامله و مذاکره و امتیاز گیری به نفع دولت اقلیم، نه به دنبال منفعت مردم در کردستان عراق، را دارد. اما آیا علم به این واقعیت، به این معنی است که مردم نمی‌بایست در این رفتارندم شرکت کنند؟ یا زود بود؟ علم به این واقعیت، که بیش از همه مردم محروم کردستان عراق آن را تجربه کرده اند، به این معنی است که مردم و نیروهای مترقی و کمونیست‌ها می‌بایست با این رفتارندم مخالفت می‌کردند؟ به نظر من مطلقاً نه. این اشتباه است.

کردستان عراق، متعلق به عشیره بارزانی و طالبانی نیست. استقلال و تشکیل دولت مستقل، یک خواست ریشه‌ئی ناشی از یک نیاز و ضرورت تاریخی در جامعه کردستان عراق است. ما کمونیست‌ها، همیشه و به خصوص در دل جنگ خلیج و پس از آن، خواهان آن بوده ایم. شرایط از آن تاریخ به بعد بسیار مهیا بود. ما بارها و بارها گفته ایم، و مردم در کردستان عراق تجربه کرده اند که احزاب ناسیونالیست کرد نه می‌خواهند و نه می‌توانند مردم کردستان عراق را صاحب یک کشور مستقل کنند. این احزاب در تاریخ جز در شکاف‌های منطقه‌ئی، جز از طریق بند وبست و معامله و توطئه و .. ابراز وجود و اعمال قدرت نکرده اند. از دید تاریخی، همیشه مصائب و محرومیت‌ها، آوراگی و جنگ و خون‌های ریخته شده از مردم کردستان عراق را، دستمایه امتیاز گیری برای شریک شدن در قدرت مرکزی کرده اند. احزابی که تا مغز استخوان فاسد اند. حتی در سرنگونی دولت مرکزی عراق، در سرنگونی صدام، حتی در خلا قدرت مرکزی هم، این احزاب نه می‌خواهند و نه می‌توانند، نه بنیة آن را دارند و نه لیاقت و اشتیهای آن را دارند که دولت مستقلی تشکیل دهند. این احزاب در تاریخ ثابت کرده اند که کمترین ربطی به مصائب و محرومیت‌های مردم کردستان عراق ندارند. احزابی که امروز، پس از دو دهه شرکت در قدرت در عراق، دیگر چیزی بیش از مافیای‌های قدرت نیستند.

این واقعیت دارد که بارزانی برای کاهش فشار اعتراضات و برای قرار گرفتن در موقعیت مناسب تری در مذاکره با عبادی و شرکای منطقه‌ئی، چون ایران و ترکیه، با کارت رفتارندم بازی کرد. با کارت استقلال کردستان عراق بازی کرد، تا محصل آن را وجه معامله با عبادی و ایران و ترکیه کند. چشم به چرخش در سیاست امریکا و هواپیماهای

نجات بخش ناتو، از نوع آنهایی که بغداد را به خاک و خون کشید، دوخته بود! لازم به افشاگری نبود که بارزانی قصد تشکیل دولت مستقل، ندارد.

با این وجود، با وقوف به اهداف بارزانی، شما مشاهده می کنید که قطب بندی در جامعه حول یکی از خواست های اصلی و تاریخی مردم در کردستان عراق در حال شکل گیری است. شما به عنوان کمونیست و طبقه کارگر، به عنوان انسان آزادیخواه، اگر قدرت داشتید این رفتارندم و نتیجه اش را از آن مردم کردستان عراق می کردید. اما متأسفانه کمونیستها در این موقعیت نبودند. خود پروسه رفتارندم، می توانست و هنوز می تواند، به کنار زدن این احزاب بینجامد. به نسبت قدرت نیروهای مترقی، جنبش کمونیستی و طبقه کارگر می توانند حول خواست هایشان که اجرای فوری رأی مردم، تشکیل دولتی غیرقومی و غیرمذهبی، تشکیل دولتی سکولار، ممنوعیت دیپلماسی مخفی و به دور از چشم مردم، تسلیح عمومی و همگانی مردم برای به اجراء درآوردن خواست شان، قدرت مند شد و در صحنه ابراز وجود و اعمال قدرت کرد.

قدرت های حاکم، در این و آن مقطع اقدامات سیاسی می کنند، گاهی ریسک می کنند، گاهی عوامفریبی می کنند و برای کاهش فشار روی خود دست به اقدامی می زنند، که جامعه را حول خود قطبی می کند. شما می دانید که قطبی می شود. حول خواستی که شما با آن موافق هستید، قطبی می شود! حول خواستی تاریخی و ریشه ئی است و می دانید که مردم با دل و جان به میدان می آیند و مردم را به میدان می آورد. این میدان شما است! از روز اول قرار بوده است که میدان شما باشد! شما نمی توانید در این شرایط مبشر حفظ وضع موجود و ماندن با عراق فدراتیو قومی، که حتی پیش از رفتارندم هم قابل حفظ کردن نیست، باشید.

هر دو طرف، دولت عبادی و اقلیم به محض شروع جنگ موصل، خود را برای تعیین تکلیف آینده عراق و آینده سهم خود در آینده عراق آماده می کردند. بارزانی با کارت استقلال تلاش کرد جغرافیای بیشتری را تحت کنترل داشته باشد و عبادی با پرچم عراق یکپارچه همان هدف را دنبال می کرد. بارزانی رفتارندم را فراخواند تا فشار اعتراض از پائین را روی خودش و دولت فاسدش کم کند و در عین حال و شاید مهمتر این بود که معلوم بود دولت عبادی، به رهبری ایران، به تعادل کنونی تن نخواهند داد. معلوم بود که پس از شکست دادن داعش در موصل تلاش می کند که کرکوک را، اگر با فشار و معامله با "یکتی" و "پارتی" نتوانند، اگر با فشار اقتصادی و تحمیل فقر به مردم کردستان نتواند، با زور پس بگیرد. این یعنی پاک سازی های قومی و وارد فازی نامعلوم شدن از جدال ها و صف بندی های جدید. ادامه شرایط قبل از رفتارندم، به معنای تقابل احزاب بارزانی و طالبانی و به میدان آمدن انواع دستجات دیگر گانگسترهای قومی و مذهبی، حشدالشعبی و ... برای بازپس گیری کرکوک بود. این دورنمای وضع موجودی بود که قابل ادامه دادن نبود.

**گزارشگران:** شهر نفت خیز کرکوک از نقاط بسیار مهمی بود که توسط نیروی پیشمرگه ها آزاد و قسماً کنترل می شد. با پیشروی نظامی ارتش عراق و نیروهای شبه نظامی شیعه این شهر بدون مقاومت از سوی کردها واگذار شد. پیشمرگه های کرد دستور عقب نشینی از مواضع خود گرفتند. برخی آن را خیانت رهبری دانستند و رهبری هم این اقدام را نه عقب نشینی بلکه جابه جایی و برای پیشگیری از کشتار کردها اعلام کرد. ارزیابی شما چیست؟

**ثریا شهابی:** روشن بود که عوامفریبی بارزانی مبنی بر این که "گردنش را بزنند از حق استقلال کوتاه نمی آید"، تنها و تنها برای سوار شدن بر گرده مردمی بود که عمیقاً به قدرت شان برای به کرسی نشاندن خواست تاریخی شان امید بسته و به میدان آمده بودند. مردمی که ادعای بارزانی را، امروز در مقابل دوربین ها "تف" باران کرده اند! امروز تبلیغات و شارلاتانیسم بارزانی، به سرعت دستمایه حمله مردم شده است. مردم به عشیره بارزانی و طالبانی خائن می گویند. "خائن" اگر بیان مناسبی از نظر ما کمونیست ها نباشد، چرا که این وضعیت را از قبل می دانستیم و بارها و بارها خطر آن را اعلام کرده بودیم، اما رابطه مردم با این احزاب و سران شان را نشان می دهد. انزجار و خشم به حق مردم را منعکس می کند. به بیان ما، صفت "خائن"، که مردم در کردستان عراق بر سینه سران اتحادیه میهنی و بارزانی

آویخته اند، نشان رسیمت دادن به این واقعیت است که از نظر مردم کردستان عراق، این ها نه دوست، که دشمن مردم هستند.

مردم در کرکوک و همه شهرهای دیگر کردستان عراق، امیدوار و آماده دفاع و در صورت لزوم دفاع مسلحانه از دستاورد شان، یعنی اعلام استقلال بودند. کرکوک قرار بود، یا می بایست، به عنوان یکی از مناطق مورد مناقشه، پس از این رفتارندم، در رفراندومی دیگر که همه شهروندان مستقل از زبان و مذهب و ... در آن آزادانه شرکت کنند و رأی دهند که به کردستان مستقل می پیوندند یا با عراق می مانند، تعیین تکلیف شود. این پروسه اساساً آغاز نشد.

در این میان دو حزب اصلی ناسیونالیست کرد در عراق رأی مردم را دستمایه تسویه حسابهای قدیمی خود کردند. بارزانی به امید حمایت جنگنده های امریکا نشست و طالبانی به حمایت ایران و دولت عبادی و نتیجه این شد که بارزانی می خواست از رأی مردم، برای مذاکره با عبادی، استفاده کند، "بازی" را به خانواده طالبانی باخت.

ارتش عراق و حشدالشعبی، نیروی شبه نظامی شیعه که بازوی نظامی جمهوری اسلامی ایران است، بدون مقاومت کرکوک را تصرف کردند. بند و بست ها از قبل صورت گرفته بود. تصویر گریان پیشمرگانی که از بند و بست اتحادیه میهنی با قاسم سلیمانی از ایران و عبادی از عراق برای معامله با کرکوک و تحویل "داوطلبانه" این احزاب خبر نداشتند، و فریاد اعتراض و اعلام نفرت از سران عشیره بارزانی و طالبانی، به زبان خود می گوید که چه اتفاقی افتاد.

مخالفت با دیپلماسی مخفی، تسلیح عمومی و همگانی، دفاع از دستاوردهای خود به نیروی خود، سنت مقاومت و قهرمانی مردمی است، در مقابل توطئه و معامله و امید به دخالت امریکا یا چشم انتظار شکاف و بحران بین قدرت های منطقه، که سنت مقاومت و قهرمانی ناسیونالیسم تا مگر استخوان فاسد کرد است. کمونیست ها بر این خواست ها پافشاری کردند، که در مقابل آنچه که در کرکوک رخ داد سد ببندند! که متأسفانه از قدرت کافی برخوردار نبودند.

این ادعا که "رهبری هم این اقدام را نه عقب نشینی بلکه جابه جایی و برای پیشگیری از کشتار کردها اعلام کرد" دروغ محض، شارلاتانیسم سیاسی و وسیله سرپوش گذاشتن بر اهداف کثیف سوءاستفاده از مصائب مردم برای معامله به نفع خود و به ضرر مردم و به قیمت به خون کشاندن کردستان عراق است.

سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران و قاسم سلیمانی در اتحادیه میهنی دپارتمان مهمی دارند. به اندازه طالبانی در این حزب قدرت دارند! بارزانی هم که شریک معامله و بده بستان بین احزاب و دولت ایران و عبادی است، چشم امیدش به امریکا بود که کور شد. امروز بارزانی باید بر "امام زاده" اردوخان دخیل ببندد، که فعلاً از این "امام زاده" هم معجزه ای به نفع بارزانی در حال شکل گیری نیست.

مردم کرکوک و سایر شهرهای کردستان عراق، در اعتراض شان، با "خائن" و "مردم فروش"، خواندن این احزاب، واقعیت عقب نشینی یا تسلیم پنهانی و توطئه را، بازگو کردند! به علاوه مردم کردستان عراق این احزاب را دیگر نه در اپوزیسیون که در قامت شریک قدرت مرکزی، رئیس دولت اقلیم و رئیس جمهور عراق، دو دهه است که دیده اند.

این ها تجربه حاکمیت بیش از دو دهه در کردستان را دارند. بازی امروز این ها با مصائب مردم در کردستان عراق، با بند و بست های دیروز متفاوت است. مردم این ها را در قدرت دیده اند. نفرت و انزجار از آنها، پس از این معامله و بده بستان کثیف، از جنس معامله با داعش برای گرفتن کرکوک و تحویل شنگال، با بند و بست ها و توطئه های گذشته متفاوت است.

آوارگی و روانه کوه کردن مردم بیگناه، بی دفاع و بی سلاح مردم را در معرض حملات کیمیائی و بمباران و آتش زدن روستاها، قرار دادن و عکس گرفتن با آن و امتیاز گرفتن به خاطر این مصائب، تمام سرمایه سیاسی این جنبش گندیده و عفونی است. این بار اما، مسأله بسادگی گذشته نیست.

مسعود بارزانی و سران اتحادیه میهنی، هر دو به یک اندازه مسؤول فرار از کرکوک و مسؤول توطئه علیه مردم کردستان عراق اند. این ها، امروز اپوزیسیون نیستند! به اندازه حشدالشعبی و عبادی و قاسم سلیمانی، شریک خفه کردن مردم در کردستان عراق و شریک خون پاشاندن به عراق و دامن زدن به جنگ قومی و مذهبی بیشتر در این

جغرافیا هستند. نباید به این ها فرصت داد که به سنگر یک گروه و حزب اپوزیسیونی، معترض و شاکی عقب نشینی کنند. این ها به اندازه عبادی مسؤول و مشمول اند.

**گزارشگران:** نیروهای ارتش عراق و حشدالشعبی بدون مقاومت وارد کرکوک شده اند و پرچم کردهای عراق را به زیر کشیده اند و پرچم خود را بالا برده اند. با توجه به ترکیب قومی موجود در این شهر آیا به نظر شما کرکوک آبستن بحران و درگیری های جدید خواهد بود.

**ثریا شهابی:** آخرین خبری که من داشتم فرار مردم کرد زبان از کرکوک و به علاوه درگیری پیشمرگان در سایر نقاط کردستان است. کرکوک با توجه به فاکتوری که شما به آن اشاره کردید، می تواند آبستن بحران و درگیری های جدید بشود. بحران و کشمکش و ... خودبه خود به وجود نمی آید. مردم کرکوک (عرب زبان، کرد زبان، ترکم و شیعه و سنی و مسیحی) مدت ها تحت حاکمیت صدام و مالکی و عبادی و دولت اقلیم، با هم زندگی مسالمت آمیزی کرده اند. اگر بحرانی به وجود بیاید، این بحران نه توسط مردم که توسط نیروها و باندهای قومی و مذهبی به وجود آورده می شود و مردم را هم به جان هم می اندازد.

اما فکر می کنم که مسأله در سایر شهرهای کردستان عراق، و تسویه حساب در قدم اول با احزاب ناسیونالیست حاکم، صورت بگیرد. بارزانی تلاش می کند که خود را در رأس مقاومت مردم قرار دهد و باز آن را وجه معامله با دولت عبادی و ایران کند. در ادامه اگر باز این بارزانی و اتحادیه میهنی باشند که بر مقدرات مردم در کردستان عراق سوار بمانند، به نظرم دورنما خطرناک است. آوارگی، فرار، کوچ های اجباری و محرومیت و تخاصمات قومی و مذهبی عمیق تری در پیش رو خواهد بود. به نظرم عشیره بارزانی و طالبانی برای ادامه این نقش، در مقابل مردم در کردستان عراق و در مقابل نیروهای مترقی و به خصوص میلیتانت در کردستان عراق، دست و پای بسیار بسته تری از گذشته دارند. این بحران می تواند به کنار زدن تمام و کمال این احزاب، و به میدان آمدن مستقلانه مردم بینجامد. اگر نیروهای مترقی، کمونیست و آزیخواه، از ضعف احزاب فاسد ناسیونالیست حاکم، بیشترین استفاده را برای متشکل کردن مردم، مسلح کردن مردم، و به میدان آوردن و در میدان نگاه داشتن آنها، ببرند. شانس برای به میدان آمدن هم نیروهای مترقی، رادیکال، چپ و کمونیست باز می شود و هم برای دستجات مرتجع قومی و مذهبی.

**گزارشگران:** گفته می شود که جمهوری اسلامی با نمایندگی قاسم سلیمانی و همراهی خانواده جلال طالبانی نیز در این واقعه دخیل بوده اند. جریان چه بوده است؟

**ثریا شهابی:** همانطور که بالا تر اشاره کردم، سپاه پاسداران و قاسم سلیمانی، یعنی جمهوری اسلامی، علاوه بر داشتن دسته شبه نظامی مسلح شیعه خود، حشد الشعبی، رسماً در اتحادیه میهنی شعبه دایر کرده اند. استفاده از اتحادیه میهنی برای جمهوری اسلامی ایران تاریخ بلند بالائی دارد. اما این فقره، و در این سطح، موضوع دیگری است. رابطه احزاب ناسیونالیست کرد با دولت های سرکوبگر ایران، تاریخی دارد.

انزوای اتحادیه میهنی و تبدیل شدن آن به یک نیروی به قول کردها "جاش"، سناریوی فی الحال شکل گرفته ای است. در غیاب نیروی مترقی، چپ و کمونیستی که بتواند "میلتناسی" که در کردستان عراق از حق کشور دار شدن عقب نمی نشیند و حاضر است به قول مردم در راه آن جان بدهد، را به سمت خود و شیوه ها و اهداف انسانی و مترقیانه خود سوق دهد، این میلیتانی می تواند جلب گروه های افراطی ناسیونالیستی کرد شود. خلا رهبری در جدال مردم کردستان عراق برای استقلال، می تواند باعث عروج هر نیروئی و از جمله چپ، کمونیسم، سکولاریسم و آزادیخواهی شود! باید به پیشواز آن رفت! برایش تدارک دید! و نیرو جمع کرد. در غیر این صورت این خلا می تواند توسط انواع گانگسترها و دستجات مرتجع ناسیونالیست و مذهبی افراطی، پر شود.

**گزارشگران:** نقش و جایگاه کشورهایمانند امریکا و اسرائیل و عربستان در این تحولات چگونه است؟

**ثریا شهابی:** مخالفت امریکا، در وهله اول به این دلیل است که امروز به بازی با کارت کرد نیاز ندارد. همانطور که سخنگوی وزارت خارجه اعلام کرده است، نگران استفاده و باز شدن میدان پیشروی برای ایران بوده و هستند. مسأله کرد برای هیأت حاکمه های مختلف امریکا، هرگز به معنای تلاش آنها برای حل مسأله کرد و ایجاد کشور مستقل کردستان عراق نبوده است و نیست. امروز و پس از جنگ سرد، دول غربی و در رأس آنها دولت امریکا، مطلقاً به دنبال "رفع ستم ملی" و حمایت از "جنبش های استقلال طلبانه" در هیچ کجای جهان نیستند! اگر این ها در دل جنگ سرد و دوقطبی که بر جهان حاکم بود، توسط این یا آن قطب امپریالیستی می توانست مورد حمایت قرار گیرد، و می توانست منافع سیاسی آن موجب تغییر توازن قدرتی میان قدرت های متروپل شود، امروز صحنه تماماً وارونه است. پس از پایان جنگ سرد، منافع کشورهای متروپل، و در رأس آنها بورژوازی غرب تنها و تنها از طریق "ملیت" و "قومیت" و "مذهبت" سازی های قرون وسطائی، تأمین می شود. امروز یوگسلاوی و عراق و لیبیا و سوریه، مدل کشور سازی است. نه کوبانی و کردستان و این و آن جغرافیائی که تقسیمات جغرافیائی آن می تواند مردم را از امنیت بیشتری برخوردار کند و یا به معضل نفاق قومی پایان دهد. امروز حفظ اسرائیل و عربستان، به عنوان دو کشور یکی با حکومتی ضدعرب و دیگری با حکومتی مرتجع شیوخ مذهبی، برای بورژوازی غرب دشوار است. قادر به حفظ و حمایت از آنها به شکل گذشته نیست. در این شرایط امریکا مطلقاً هرگز پروژه ساختن کردستانی در خاورمیانه و در دل خاورمیانه عربی را در دستور نداشته است. بازی با کارت مصائب کرد، یکی از سرمایه های دخالتش در خاورمیانه و در تغییر توازن قدرت بوده است.

عامل دیگر، به میدان آمدن مردم، و دخالت مردم، علی رغم مخالفت غرب و کشورهای منطقه است. این یعنی بازی دادن نیروی سوم. هیچ کشوری امروز، به غیر از زبان "زور"، به دخالت و قدرت گیری مردم از پائین رضایت نخواهد داد. مردم در کردستان عراق این قدرت و این "زور" را به میدان آوردند، که توسط احزاب فاسد عشیره طالبانی و بارزانی به بازی گرفته شد. اسرائیل و عربستان سعودی، غالباً از سیاست امریکا پیروی می کنند. در این شرایط باز برای آنها استفاده از کارت کرد و رفراندم، در شراکت با عشیره بارزانی و طالبانی، منتفی نیست. حتماً سعی می کنند امکانی برای عقب زدن ایران پیدا کنند. اما این امکان و این دخالت، از نوع امکان و دخالت حشدالشعبی و ترکیه است. مردم باید مستقلاً قدرت شان را اعمال کنند. توهم و دل خوش کردن به دخالت امریکا و اسرائیل و عربستان، ادامه سرنوشت گذشته، مخرب و مخاطره آمیز است.

**گزارشگران:** آنچه مسلم است این وضعیت جدید پس از همه پرسی کمک زیادی به حل بحران منطقه نمی کند و در این میان دولت اسلامی داعش می تواند از فضای ایجاد شده به بازسازی خود بپردازد. چشم انداز را چگونه می بینید؟ آیا ظرفیت ها و پارامترهای موجود احتمال سرانجامی بدون آغاز جنگ و کشتاری دیگر از طریق مصاحبه را می دهد؟

**ثریا شهابی:** تصور من این است که امروز در کردستان عراق می تواند روند انتظار و دلسردی و .. توسط توافقات بارزانی و عبادی و ایران و امریکا و .. مردم را موقتاً از صحنه خارج کند. اما در کردستان عراق غول از شیشه خارج شده است. مردم احساس قدرت کردند، علی رغم مخالفت تقریباً همه قدرت های اصلی جهانی، رأی شان را دادند و از میدان خارج نشدند. درست است این از جنبه ای به احساسات ناسیونالیستی در منطقه دامن زده است. اما از طرف دیگر به احساسات دخالت مستقیم و احساس اتکاء به قدرت خود از پائین هم دامن زده است. به احساس نفرت از احزاب سنتی ناسیونالیستی در کردستان هم دامن زده است. امروز پرونده همه شان از ایران تا ترکیه را روی میز گذاشته است. تا جایی که به کردستان عراق برمی گردد، به نظر من مردم باید مسلح شوند. سران این احزاب را خلع سلاح کنند. پیشمرگان و نیروهای نظامی شان را به پیوستن به صف تسلیح عمومی مردم فراخوانند. سران اتحادیه میهنی و پارتی را، به جرم توطئه علیه اراده مردم، علیه مردم، و علیه امنیت مردم، باید محاکمه کرد. خلع سلاح و خلع مسؤولیت حداقل مجازات کاری است که سران این احزاب بار دیگر با مردم در کردستان عراق کرده اند. این تنها راه جلوگیری از تکرار مرتب این رویدادها است، که به رهبری این احزاب صورت گرفته است. در غیر این صورت در صورتی که



در چشم مردم، این رویداد برای مسئولین آن عواقبی نداشته باشد و مجبور نشوند که عواقب کاری را که مردم به آن "خیانت" و "مردم فروش" می گویند بپذیرند، و مسئولیت کارشان را به عهده بگیرند، این چرخه باز و باز تکرار می شود.

اگر احزاب حاکم، "یکتی" و "پارتی"، شانه هایشان را برای عروج حشدالشعبی و ارتش عراق زیر پایشان قرار نمی داند، این ها هرگز قادر نبودند بسادگی مردم در کردستان عراق را عقب بزنند. در این حالت، هیچ چیز عادلانه تر از جنگ مردم در کردستان عراق برای اجرای حکم و اراده شان، نبود! جنگی که جهانیان از آن دفاع می کردند. به نظر من رویارویی های جدیدی، حول مسأله کرد، شکل می گیرد و فی الحال در حال شکل گیری است. سرکوب مردم در کردستان عراق، در ایران انعکاس و بازتاب ویژه ای خواهد داشت.

برای ما این به خصوص، حائز اهمیت و تعمق است. در شرایطی که سپاه در عراق از طریق کردستان پیشروی می کند، در شرایطی که تحریم سپاه به عنوان یک نیروی تروریستی و یا حامی تروریست، شرایط ایران را بحرانی تر کرده است، بازتاب دخالت سپاه در کردستان عراق، در ایران به مراتب با گذشته متفاوت است.

دخالت ایران در سیر استقلال کردستان عراق، تصرف کرکوک و گسترش میدان عمل در عراق، سرمایه گذاری بر حشدالشعبی عراق با توهم و امید به "حزب الله سازی" دیگری در منطقه که از مصائب مردم محروم فلسطین ارتزاق می کرد، می تواند به سرعت به عکس خود تبدیل شود و ورق را برگرداند. این می تواند کردستان عراق و کردستان ایران را برای جمهوری اسلامی به جهنمی تمام عیار تبدیل کند.

دخالت نیروی نظامی سپاه در تصرف کرکوک و در تعرض به دست آورد مردم در کردستان عراق، می تواند آغاز رویارویی های بیشتر جمهوری اسلامی در کردستان ایران هم باشد. کردستان ایران می تواند این پیشروی را به مذاق سپاه و سردار قاسم سلیمانی و مقام معظم و جناب روحانی و همه سران در حکومت ایران، زهر کند.

از منظر مردم در کردستان ایران، جنگ و بمباران و خمپاره باران شهرهای کردستان ایران، یکی از ارکان تولد و شکل گیری جمهوری اسلامی ایران است. در نگاه مردم در کردستان ایران، ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران، بارها و بارها از شهرها و روستاهای کردستان ایران، به عنوان "نیروهای اشغالگر"، به قدرت نظامی خود مردم، فراری داده و اخراج شده اند. این رابطه جمهوری اسلامی با کردستان ایران است. بازی با "کارت کرد" در منطقه، اگر از دید تاریخی برای امریکا "محلی از اعراب" داشته است، برای ایران اما، با توجه به تاریخی از سرکوب و تعرض حکومت، و با توجه به قریب یک دهه جنگ و مقاومت وسیع نظامی مردمی در مقابل آن، می تواند برای جمهوری اسلامی بازی با آتش شمرده شود. تحرکات سپاه و جمهوری اسلامی برای سرکوب مردم کردستان عراق، که در حرکتی «مسالمت آمیز» خواستار تشکیل دولت مستقل شده اند، در ایران و به خصوص در کردستان ایران، با سکوت روبه رو خواهد شد.

\*\*\*

**گزارشگران:** چنانچه نکته یا پیامی دارید لطفاً مطرح کنید

**ثریا شهبابی:** با تشکر از مصاحبه تان. صحبت بیشتری ندارم

\*\*\*

**گزارشگران:** با تشکر از شما و امیدوار که در آینده نیز بتوانیم از نظرات و تجارب سیاسی شما بهره ببریم.

20.10.2017